

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



درآمدی بر

# تربیت دینی

بر اساس حکمت متعالیه

ابراهیم راستیان

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)  
تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت  
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲  
صندوق پستی ۱۴۶۵۵-۱۵۹  
E-mail: [isu.press@yahoo.com](mailto:isu.press@yahoo.com)  
www.ketabesadiq.ir: فروشگاه اینترنتی



درآمدی بر تربیت دینی بر اساس حکمت متعالیه ■ تألیف: ابراهیم راستیان  
به اهتمام مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع) ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) - مرکز رشد  
چاپ اول: ۱۳۹۵ ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: پرتو ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۱۱-۶

قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: راستیان، ابراهیم، ۱۳۶۷-  
عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر تربیت دینی بر اساس حکمت متعالیه/  
تألیف: ابراهیم راستیان؛ به اهتمام مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع).  
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری: ۲۸۰ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۱۱-۶  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)، مرکز رشد  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۱۵۸۰۷

## فهرست اجمالی

سخن مرکز رشد | ۱۳

پیشگفتار | ۱۷

بخش اول: مبانی و اصول حکمت صدرایی | ۲۵

فصل اول: مبانی هستی‌شناختی | ۲۷

فصل دوم: مبانی انسان‌شناختی | ۴۷

فصل سوم: مبانی معرفت‌شناختی | ۶۹

فصل چهارم: مبانی دین‌شناختی | ۸۱

بخش دوم: تربیت دینی | ۱۱۷

فصل پنجم: ضرورت تربیت دینی | ۱۱۹

فصل ششم: چیستی تربیت دینی | ۱۲۹

فصل هفتم: اهداف تربیت دینی | ۱۳۷

فصل هشتم: نقش اعتباریات در تربیت دینی | ۱۵۱

فصل نهم: موانع تربیت دینی | ۱۷۵

فصل دهم: روش معرفت‌الذات | ۱۸۵

فصل یازدهم: دو بال پرواز روش معرفت‌النفس | ۲۰۹

فصل دوازدهم: تعاملات اجتماعی ذیل روش معرفت‌النفس | ۲۳۹

فصل سیزدهم: تربیت بر مدار مربی | ۲۵۱

فصل چهاردهم: ثمرات تربیت دینی | ۲۶۳

منابع | ۲۷۳

# فهرست

سخن مرکز رشد | ۱۳

پیشگفتار | ۱۷

## بخش اول: مبانی و اصول حکمت صدرایی | ۲۵

### فصل اول: مبانی هستی‌شناختی | ۲۷

۱. اصالت وجود | ۲۷
۲. نظریه وحدت شخصی وجود | ۲۹
۳. تشکیک در وجود پلی به سوی حقیقت | ۳۳
۴. برداشت‌های غلط | ۳۶
۵. شبهات پیرامون نظریه وحدت شخصی وجود | ۳۷
۶. تمایز قیومی | ۴۰
۷. عوالم سه‌گانه | ۴۱
۸. جوهر و عرض | ۴۴

### فصل دوم: مبانی انسان‌شناختی | ۴۷

۱. حقیقت نفس انسان | ۴۷
۲. عامل تشخیص و محل تحقق فرد جزئی | ۴۹
۳. تحقق نفس جزئی قبل از بدن | ۵۱
۴. بررسی ادله نفی تحقق نفس قبل از دنیا | ۵۲
۵. حدوث و قدم نفس جزئی | ۵۶
۶. طرح یک اشکال | ۵۹
۷. ترکیب نفس با بدن | ۶۱
۸. بدن مثالی | ۶۶

## فصل سوم: مبانی معرفت‌شناختی | ۶۹

۱. حقیقت علم | ۶۹ ❁
۲. مراتب علم | ۷۱ ❁
۳. رابطه عالم با معلوم | ۷۳ ❁
۴. اقسام علم | ۷۷ ❁
۵. بازگشت علم حصولی به علم حضوری | ۷۸ ❁

## فصل چهارم: مبانی دین‌شناختی | ۸۱

۱. توحید حضرت حق | ۸۲ ❁
  - ۱-۱. توحید ذاتی | ۸۲
  - ۲-۱. توحید صفاتی و افعالی | ۸۳
  - ۳-۱. سازگاری توحید افعالی با نظام تکوین | ۸۶
  ۲. انسان کامل تجلی تام توحید | ۸۸ ❁
  ۳. فطرت؛ حقیقت الهی انسان‌ها | ۹۱ ❁
  ۴. جبر و اختیار | ۱۰۱ ❁
  ۵. حضوری بودن حقیقت ایمان | ۱۰۷ ❁
  ۶. حقیقت عمل و کارکرد آن در تعالی انسان | ۱۱۲ ❁

## بخش دوم: تربیت دینی | ۱۱۷

### فصل پنجم: ضرورت تربیت دینی | ۱۱۹

۱. اهمیت پرداختن به تربیت در روایات | ۱۲۲ ❁
۲. تبیین ضرورت تربیت بر اساس فطرت انسانی | ۱۲۵ ❁

### فصل ششم: چیستی تربیت دینی | ۱۲۹

۱. مؤلفه‌های ماهیت تربیت دینی | ۱۳۰ ❁
۲. نقد و بررسی تعاریف مشهور تربیت | ۱۳۲ ❁
۳. تعریف تربیت دینی | ۱۳۶ ❁

### فصل هفتم: اهداف تربیت دینی | ۱۳۷

۱. اهداف پنداری | ۱۳۸ ❁



۲. اهداف حقیقی | ۱۴۰

۱-۲. اهداف اجتماعی | ۱۴۱

۲-۲. اهداف فردی | ۱۴۳

۱-۲-۲. اهداف متوسط | ۱۴۳

۲-۲-۲. هدف نهایی | ۱۴۵

۲-۲-۳. هدف نهایی از منظر عرفا | ۱۴۸

## فصل هشتم: نقش اعتباریات در تربیت دینی | ۱۵۱

۱. حیات پیشین انسان | ۱۵۱

۱-۱. ماجرای تعلیم اسماء و نسبت آن با مقام خلافت انسان | ۱۵۲

۲-۱. نسیان عهد و نسبت آن با هبوط انسان | ۱۵۴

۳-۱. هبوط سلامی و هبوط مذموم | ۱۵۷

۲. نیازهای انسانی | ۱۶۰

۱-۲. نیازهای فطری | ۱۶۱

۲-۲. نیازهای برساخته | ۱۶۳

۳. دو نگرش متفاوت به اعتباریات | ۱۶۵

۱-۳. نگرش مشهور به اعتباریات | ۱۶۶

۱-۳. نگرش غیر مشهور به اعتباریات | ۱۶۹

## فصل نهم: موانع تربیت دینی | ۱۷۵

۱. موانع بینشی | ۱۷۶

۲. موانع انگیزشی | ۱۸۰

## فصل دهم: روش معرفت‌الذات | ۱۸۵

مقدمه | ۱۸۵

۱. از پندار تا حقیقت | ۱۸۸

۲. تمایز روش معرفت‌الذات از دیگر روش‌های تربیتی | ۱۹۱

۳. گذر از من‌های پنداری | ۱۹۴

۴. روش معرفت‌الذات، ظهور عبودیت | ۱۹۷

۵. غفلت از نفس، مانع رشد و تعالی | ۲۰۰

۶. حضور در حال | ۲۰۲

## فصل یازدهم: دو بال پرواز روش معرفت‌النفس | ۲۰۹

❁ مقدمه | ۲۰۹

❁ ۱. مؤلفه‌های روش‌های تربیتی | ۲۱۱

۱-۱. جلوگیری از مفهومی شدن حقایق به جای حضوری شدن | ۲۱۱

۱-۲. جلوگیری از انحراف حقایق به جای تنزل آن‌ها | ۲۱۲

۱-۳. توجه به باطن دار بودن روش‌ها | ۲۱۴

۱-۴. توجه به اعدادی بودن روش‌ها | ۲۱۵

❁ ۲. روش تذکاری | ۲۱۶

۲-۱. مراتب روش تذکاری | ۲۱۷

۲-۲. تبیین روش‌های تربیتی ذیل روش تذکاری | ۲۲۱

❁ ۳. روش محبتی | ۲۲۳

۳-۱. تبیین تقوای الهی ذیل روش محبتی | ۲۲۷

۳-۲. تبیین توسل و بکاء برای انسان کامل ذیل روش محبتی | ۲۲۹

❁ ۴. نگاهی انتقادی به دو روش مشهور در تربیت دینی | ۲۳۴

۴-۱. شرطی کردن | ۲۳۴

۴-۲. تحمیل به نفس | ۲۳۶

## فصل دوازدهم: تعاملات اجتماعی ذیل روش معرفت‌النفس | ۲۳۹

❁ ۱. نگرش امتحانی به تعاملات اجتماعی | ۲۳۹

❁ ۲. مشاهدهٔ مربی حقیقی در تعاملات اجتماعی | ۲۴۳

❁ ۳. زشتی توجه به تعاملات اجتماعی در عین غفلت از خود | ۲۴۴

❁ ۴. تعاملات اجتماعی مبتنی بر معرفت‌انفسی | ۲۴۶

## فصل سیزدهم: تربیت بر مدار مربی | ۲۵۱

❁ ۱. نقش مربی حقیقی در تربیت | ۲۵۳

❁ ۲. نقش مربی اعدادی در تربیت | ۲۶۰

## فصل چهاردهم: ثمرات تربیت دینی | ۲۶۳

❁ ۱. پاسخ به نیازهای حقیقی انسان‌ها | ۲۶۳

❁ ۲. قدسی شدن تمام ابعاد زندگی | ۲۶۵

❁ ۳. با آرامش زیستن | ۲۶۸

- ❁ ۴. وصول به مقام مخلصین | ۲۶۹
- ❁ ۵. هم‌نشینی با انبیاء و اولیاء | ۲۷۰
- ❁ ۶. توجه به تعاملات اجتماعی | ۲۷۱

منابع | ۲۷۳



## سخن مرکز رشد

بیش از سی سال از تجربه دانشگاه امام صادق علیه السلام می گذرد. این دانشگاه در اولین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پاسخ به نیازهای گریزناپذیر این انقلاب، به همت و مساعی بی دریغ مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته الله تأسیس شد. اسلامیت نظامی که به گونه‌ای اسلامی تشکیل شده است، متوقف بر داشتن برنامه‌ای برآمده از اسلام و مجریان و مسئولانی آگاه به مبانی اسلامی است؛ و بدون این دو امر، حکومت اسلامی به مرور از درون تهی شده و به سوی حکومتی که صرفاً ظواهری اسلامی دارد، حرکت خواهد کرد. بیشترین چیزی که در سال‌های اول از این دانشگاه انتظار می‌رفت، تعلیم و تربیت دانش‌آموختگان آشنا و مؤمن به معارف دین مبین اسلام و همچنین آگاه به علوم انسانی و اجتماعی روز دنیا بود. در سه دهه گذشته، دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق علیه السلام با توشه‌ای که از خرم‌ن عالم اخلاق، فقیه و اصولی کم‌نظیر، مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته الله برچیده بودند و با تسلطی که بر مبانی اسلامی و علوم اجتماعی یافته بودند، در بخش‌های مختلف کشور مشغول به خدمت شدند و سعی نمودند تا حدی نیازهای انقلاب و ایران اسلامی را برآورده کنند.

با گذشت زمان و تعمیق و تفصیل نیازهای انقلاب اسلامی، از سویی، شدت نیاز به نیروی انسانی قدری کاهش یافت و از سوی دیگر، نیاز

به تولید علوم انسانی و اجتماعی متناسب با تعالیم و آموزه‌های قرآن و سنت شدت گرفت. مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته‌الله که در سیره علمی، عملی و مدیریتی خود، توجه به «نیازهای روز» جامعه اسلامی را سرلوحه مساعی خود قرار داده بودند، در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، وزن و اهمیت بیشتری را به موضوع تولید علم و مرجعیت علمی اختصاص دادند.

آنان که دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و دانش‌آموختگان آن را می‌شناسند، به‌خوبی می‌دانند که ظرفیت تربیتی و علمی این نهاد برآمده از انقلاب اسلامی بسیار بیش از دستاوردهای موجود آن است. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در بین دانش‌آموختگان خود، افرادی مستعد و توانمند برای پیگیری و پیشبرد مسیر طولانی و سخت علمی را تربیت می‌کند، اما این افراد، پس از دانش‌آموختگی، مسیر و جایگاهی را برای پیگیری دغدغه‌ها و به ثمر نشان دادن همّت‌های خود نمی‌یابند. باینکه تعداد زیادی از این دانش‌آموختگان کوشای دانشگاه، سال‌های تحصیل را در فهم علوم اسلامی و تتبع در حوزه‌های تخصصی علوم اجتماعی طی می‌کنند و در پایان‌نامه‌های پژوهشی خود، ظرفیت شخصیتی و فکری خود را برای ادامه این مسیر به اثبات می‌رسانند، با مسیرها و سازمان‌ها - اعم از علمی یا اجرایی - مواجه می‌شوند که با دغدغه‌هایی به نسبت بسیار سطحی‌تر، پاسخ‌گویی به نیازهایی دیگر را بر آن‌ها تحمیل می‌نماید.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که پاسخ‌گویی به نیازهای دهه‌های قبل انقلاب اسلامی، چندان از طریق الگوهای دانشگاهی و حوزوی مرسوم، اثربخش و موفق نبود و مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته‌الله عمر

خود را در ایجاد الگویی جدید صرف کرد؛ پیگیری و ثمردهی نیاز به تولید علم و مرجعیت علمی نیز با تبعیت و تقلید از الگوهای قدیمی و مرسوم پژوهشی ممکن نباشد. از سویی دانش‌آموختگان دانشگاه برای تمرکز و تأمل بر نیازهای علمی کشور و تولید دانش و نرم‌افزارهای مطلوب، راهی زمان‌بر، طولانی و پرپیچ‌وخم پیش رو دارند؛ و از سوی دیگر، نظام اجرایی و علمی کشور، که سال‌ها از نرم‌افزارهای موجود و مرسوم غربی کپی‌برداری کرده است، به آماده‌خوری، هزینه نکردن و دم‌غنیمت‌شماری خو کرده است. از یک طرف، برای تولیدات و محصولات علوم انسانی اسلامی دانش‌آموختگان دانشگاه، تقاضایی وجود ندارد؛ و از طرف دیگر، برای نیازهای پیچیده و باعجله کشور، عرضه‌ای موجود نیست.

همین دغدغه، تنی چند از فرزندان مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته‌الله را بر آن داشته است تا با طراحی مرکزی - موسوم به مرکز رشد - گامی در مسیر حلّ این چالش بردارند. مرکز رشد، هم برای حلّ معضلات پیش‌گفته و هم به‌منظور ابتناء بر اندیشه‌های تربیتی و مدیریتی اسلام، لازم بوده است تا الگوهای جدید سازمانی و تعامل علمی و تربیتی را طراحی و اجرا نماید که این مجمل مجال بسط و تشریح آن نیست. مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، برای پاسخ‌گویی به نیازهای پیش‌گفته در علوم انسانی و اجتماعی، راهی جز تربیت، حفظ و معرفی «نظریه‌پردازان» علوم انسانی و اجتماعی اسلامی سراغ ندارد و این تربیت، حفظ و معرفی را چیزی بسیار بالاتر و متعالی‌تر از حمایت‌ها یا استخدام‌ها یا پروژه‌های پژوهشی مرسوم می‌شمارد.

آنچه پیش روی شماست یکی از ثمرات شروع این مسیر پربرکت است. در این کتاب کوشش شده است تا از گنجینه‌های بی‌بدیل قرآن، عرفان

و برهان، در تولید علوم انسانی اسلامی مخصوصاً در عرصه تربیت دینی بهره برده شود و مبتنی بر مبانی عمیق حکمت متعالیه، رویکردی نوین در عرصه تربیت دینی ارائه شود؛ رویکردی که موجب بازسازی و بازنگری در روش‌های مشهور تربیتی خواهد شد. در حقیقت نوآوری کتاب نسبت به کتب تربیتی موجود در دو بخش مبنا و بنا ظهور کرده است: در بخش «مبنا» کوشش شده که مبانی حکمت متعالیه مرتبط با امر تربیت، به صورتی منسجم و متقن تبیین شود؛ و در بخش «بنا»، کوشش شده که بر اساس محوری‌ترین رویکرد تربیتی که همان معرفت‌الذات است، به تقریر اصلی‌ترین مسائل تربیت دینی پرداخته شود. امید است که این کتاب بتواند مبدأ شکل‌گیری تحقیقات بعدی در عرصه‌های تربیت دینی قرار بگیرد. مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام مشتاقانه منتظر نظرات و قضاوت‌های خوانندگان این مجموعه است تا بتواند آن‌ها را در حرکت‌ها و کوشش‌های بعدی، چراغ راه خود گرداند.



## پیش‌گفتار

از موضوعات بسیار مهم برای انسان‌ها در طول تاریخ بشریت، مسئله تربیت بوده است. مسئله‌ای که هر متفکر و مکتبی به‌ضرورت پرداختن به آن اذعان دارد و تلاش می‌کند که در راستای آرمان‌های خود انسان‌ها را تربیت کند. به همین جهت در طول تاریخ از دریچه‌های مختلفی به این مسئله پرداخته شده است و از زوایای مختلفی به این حقیقت نگاه شده است. اساس ادیان الهی در راستای تربیت انسان‌ها به‌سوی خداوند متعال شکل گرفته است و تمام پیامبران الهی در جهت رشد و تعالی انسان‌ها می‌کوشیدند. تربیت دینی در دوره‌های تاریخ به‌حسب نیازهای مطرح در جوامع دینی به گونه‌های مختلفی تجلی کرده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری حکومت اسلامی، یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان اسلامی مخصوصاً بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری دامت برکاته، شکل‌گیری تربیتی دینی برآمده از توحید خالص و اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است.

هر مکتب تربیتی بر اساس مبانی و اصولی شکل می‌گیرد و ادیان الهی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. ورود به مباحث تربیت دینی، بدون اتخاذ مبانی و اصول، نه تنها بی‌راهه است بلکه چون سرابی است که موجب فریب و گمراهی انسان‌ها می‌شود. امام محمد باقر علیه‌السلام در مورد کسانی که

بدون اصول و مبانی به تربیت مردم می‌پردازند، چنین می‌فرماید:

«آنان والیان جفایند که از آداب حسنه به دورند و به دلیل برخوردار نبودن از اصول، صاحب نفوسی منحرف و پست هستند و قابلیت این را ندارند که علم و کمال، از آن‌ها کسب شود. آنان خود گمراه‌اند و مایه گمراهی می‌شوند. چیزی که بر اصل استوار نباشد، هیچ خیر و خوبی‌ای در آن نیست.» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۳۸)

در حقیقت، تربیت بدون مبانی و اصول امکان‌پذیر نیست. چراکه اگر مربی بدون اتخاذ مبانی به روش‌های تربیتی رو بیاورد، در واقع یک مبنای تربیتی را خواسته یا ناخواسته پذیرفته است. حال ممکن است، این مبنای پذیرفته‌شده، توحیدی باشد یا غیرتوحیدی، یا صرفاً در برخی از مسائل تربیتی توحیدی باشد. طبیعتاً در مسائل تربیت دینی نمی‌توان به چنین مربی اعتماد کرد. مکاتب مختلف بشری، بر اساس نگاهشان به جهان و انسان، به تبیین تعلیم و تربیت پرداخته‌اند و به تبع آن جهان‌بینی و انسان‌شناسی، روش‌هایی را به بشر توصیه کرده‌اند. تفاوت روش‌های تربیتی در مکاتب گوناگون به کیفیت و چگونگی تبیین انسان در آن مکاتب بازمی‌گردد و انسان‌شناسی هر مکتبی نیز بر اساس یک هستی‌شناسی شکل می‌گیرد. حال اگر هستی‌شناسی‌ها متفاوت باشند، انسان‌شناسی‌ها و روش‌شناسی‌ها هم متفاوت خواهند بود. بنابراین تربیتی که بر اساس هستی‌شناسی توحیدی باشد، بسیار متفاوت است با تربیتی که بر مبنای هستی‌شناسی کفر بنا شده است. امام صادق علیه السلام به فرزندش امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

«اصول، دارای فروع هستند و فروع، دارای نتیجه و جز با فرع، نتیجه گوارا و دلپسند پدید نمی‌آید. فرع هم، جز با اصل ثابت، محقق

نمی‌شود و اصل ثابت هم بدون مبنا و معدن طیب نخواهد بود.<sup>۱</sup>  
(مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵: ۲۰۴)

بر اساس این حدیث، اگر بخواهیم از ثمرات تربیت توحیدی بهره‌مند شویم و اصطلاحاً به تولید علمی در زمینه‌های تربیتی دست‌یابیم، باید معدن طیبی داشته باشیم که بر اساس آن معدن طیب، اصول را استخراج کنیم و از اصول، فروع را به دست آوریم و از فروع به ثمرات تربیت برسیم. حکمت متعالیه با الهام از آیات و روایات و با روشی شهودی-عقلی به تبیین حقایق هستی پرداخته است. در همین رابطه مقام معظم رهبری <sup>حفظه‌الله</sup> می‌فرماید:

«مکتب فلسفی صدرالمآلهین همچون شخصیت و زندگی خودِ او مجموعه درهم‌تنیده و به وحدت رسیده چند عنصر گران‌بهاست. در فلسفه او از فاخرترین عناصر معرفت یعنی عقل منطقی و شهود عرفانی و وحی قرآنی، در کنار هم بهره گرفته شده و در ترکیب شخصیت او تحقیق و تأمل برهانی و ذوق و مکاشفه عرفانی و تعبد و تدین و زهد و انس با کتاب و سنت، همه باهم دخیل گشته.»<sup>۲</sup>

طبیعتاً چنین حکمتی می‌تواند مبنای جامع و کامل و تکیه‌گاه محکم و متقن و معدن پاک و طیبی برای اتخاذ مبانی و اصول رشد انسانی و فروع و ثمرات تربیتی باشد. مبانی و اصول صدرایی و اتخاذ آن‌ها در مباحث تربیتی، از موضوعاتی است که در دهه اخیر ذهن پژوهشگران تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است و تلاش‌های بسیاری توسط پژوهشگران در این حوزه صورت گرفته است. با این حال، تفاوت‌های

۱. «و لِلْأُصُولِ فُرُوعاً وَ لِلْفُرُوعِ ثَمَرًا وَ لَا يَطْيَبُ ثَمَرًا إِلَّا بِفَرْعٍ وَ لَا فَرْعٌ إِلَّا بِأَصْلِ وَ لَا أَصْلٌ ثَابِتٌ إِلَّا بِمَعْدَنٍ طَيِّبٍ.»

۲. پیام مقام معظم رهبری به کنگره بزرگداشت صدرالمآلهین در تاریخ ۱۳۷۸/۳/۱.

اساسی بین فعالیت‌های موجود و کتاب حاضر وجود دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. برای اتخاذ مبانی یک مکتب فلسفی فارغ از آراء و نظریات متفاوتی که به دلایل مختلف مطرح شده است، باید به نهای بودن و انسجام و هماهنگی آراء آن مکتب نیز توجه شود. به طور مثال ملاصدرا در مواضعی وحدت شخصی وجود و در مواضع دیگری وحدت تشکیکی وجود را مطرح کرده است. هر کدام از این دو نظریه، لوازم هستی‌شناختی خود را به همراه دارند. حال اگر کسی بخواهد علوم تربیتی از فلسفه ملاصدرا استخراج کند، باید یکی از این دو مبنا را بپذیرد و مسائل تربیتی را بر اساس آن مبنا مقبول و لوازم منطقی آن تبیین نماید. در اکثر پژوهش‌های صورت گرفته، این امر رعایت نشده و اگر هم رعایت شده باشد، مبنا نهای نهایی حکمت متعالیه را در بر نمی‌گیرد. در این کتاب تلاش می‌شود آراء نهای حکمت متعالیه تبیین شود و بر اساس آن مسائل تربیت دینی بررسی شود.

۲. برخی از پژوهشگران تعلیم و تربیت تلاش می‌کنند که بر اساس مکتب فلسفی ملاصدرا به اصلاح مبانی، اصول و روش‌های تربیتی مکاتب غربی بپردازند؛ مبانی و اصولی که با توجه به دغدغه‌ها و نیازهای جامعه غربی شکل گرفته است، در حالی که نگارنده می‌کوشد، فارغ از مباحث و مسائل تربیتی که نشأت گرفته از دیگر مکاتب فلسفی است، به استخراج اصول، فروع و ثمرات تربیت دینی بر اساس حکمت متعالیه بپردازد.

اگرچه مؤسس حکمت متعالیه جناب ملاصدرا است ولی هر فیلسوفی که در این زمینه با روش منطقی و با توجه به منابع عقل و نقل و شهود